

باز آفرینی حوزه‌های علمیه در فضای مجازی

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید شهریاری در جمع
ریاست محترم حوزه‌های علمیه سراسر کشور و معاونان، مسئولان
و اعضای شورای مدیریت حوزه‌های علمیه

درآمد

ظهور فناوری اطلاعات و ارتباطات در نیم‌قرن اخیر، تحولی اساسی در جوامع انسانی به وجود آورده و گذار از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی را موجب گردیده است. این تحول، ملاک‌های پیشرفت جوامع را از شاخص‌های صنعتی، به شاخص‌های اطلاعاتی تبدیل نموده و جوامع امروزی به مدد فناوری‌های نوین با تولید، انباشت، اشاعه و انتقال لحظه‌ای اطلاعات روبه‌رو شده است؛ اطلاعات متنوعی که پیوسته در حال افزایش، پردازش و به‌روزرسانی بوده و با سرازیر شدن در شاهراه‌های ارتباطی، مرزهای دانش و محدوده‌های جغرافیایی را در می‌نوردد.

اگرچه تشکیل جامعه اطلاعاتی در کشور ما هنوز به معنای تام اتفاق نیفتاده، سرآورده‌های آن آشکار و کم‌وبیش مقدمات و زیرساخت‌های آن در حال فراهم شدن است. تلاش برای برپایی دولت الکترونیک، شهر مجازی، تجارت و بانکداری الکترونیک و راه‌اندازی دوره‌های آموزش مجازی دانشگاهی، گواه این تحول بوده و خبر از حرکت به سوی تشکیل جامعه اطلاعاتی می‌دهد.

در این میان، حوزه‌های علمیه نیز که در شمار نهادهای دینی و فرهنگی به شمار می‌آیند، می‌توانند به‌شایستگی از فضای مجازی برای سامان‌دهی نظام مدیریتی، اداری، مالی، آموزشی و پژوهشی خود بهره‌مند گردند و در عمل، به کامیابی مطلوب‌تر در عرصه‌های مختلف نایل آیند. حوزه‌های علمیه، به مثابه نهادهایی چندبعدی‌اند که برای سرعت‌بخشی و بهبود فعالیت‌های خود می‌توانند در چارچوب مشخص و تعریف‌شده، از امکانات و ابزارهای جدید فضای مجازی استفاده کنند.

رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای - مدّ ظلّه العالی - ضمن تأکید بر اهمیت و نقش فضای مجازی در پیشرفت کشور، خطاب به حوزه‌های علمیه فرموده‌اند:

«ما به طور سنتی، روش‌هایی برای ارتباط‌گیری با مخاطبان خودمان داریم که روش‌های خوبی هم هست؛ لیکن به‌هیچ‌وجه کافی نیست. نمی‌خواهم توصیه کنم که طلاب بروند یک دوره علوم ارتباطات ببینند؛ بلکه می‌خواهم مؤکداً توصیه کنم که کارگردانان اصلی و طراحان حوزه علمیه، با توجه به نتایج علوم ارتباطات، کارهای خودشان را برنامه‌ریزی کنند و بخشی از مباحثی از این علوم را که مورد نیاز حوزه است، به درجات مختلف در اختیار کسانی که به آن احتیاج دارند، به‌خصوص کسانی که در زمینه تبلیغ برنامه‌ریزی و کار می‌کنند، بگذارند.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۸/۶/۲۸)

با پیشرفت‌های فناوری‌های که به وقوع پیوسته است، نمی‌توان نقش فضای مجازی و ابزارهای نوین را در عرصه‌های گوناگون کتمان کرد. از این‌رو، شناسایی ویژگی‌ها و توانمندی‌های این فضای امری لازم و ضروری است و بدون بهره‌مندی از چنین امکاناتی، دست به گریبان مشکلات عدیده‌ای خواهیم شد.

امروزه، مردم به‌آسانی با اتصال به فضای مجازی، اطلاعات گسترده‌ای در موضوعات مختلف، از جمله دین و مذهب به دست می‌آورند و با دیگران در این زمینه به گفت‌وگو می‌پردازند، اسناد و متون دینی را از پایگاه‌های گوناگون دریافت می‌نمایند و با ابزارهای دیجیتالی به مساجد، آثار تاریخی، مذهبی و بناهای دینی سفر می‌کنند، از طریق شبکه جهانی، موضوع موردنظر خود را در حوزه دین می‌یابند و کتاب‌ها و منابع دینی و مذهبی

را می‌خرند، مراکز و سازمان‌های دینی را شناسایی کرده و در جلسات و همایش‌های دینی شرکت می‌کنند، تصویر و یا حتی صدای رهبران مذاهب مختلف را می‌بینند و می‌شنوند و به صوت سخنرانی‌ها و گفتمان‌های دینی گوش فرامی‌دهند و در یک کلام، علاقه‌مندان به مذهب در این فضا با دین زندگی می‌کنند.

بنابراین، فضای مجازی با تمام تهدیدهایی که ممکن است در پی داشته باشد، به شکل‌های گوناگون وارد زندگی مردم شده و بیشتر مردم، دست‌کم روزی یک بار در این فضا حضور می‌یابند.

هم‌اینک، بسیاری از طلاب علوم دینی آشنایی خوبی با فضای مجازی و مهارت‌های استفاده از اینترنت را یافته‌اند و پیوسته با این فضا مرتبط‌اند؛ اما برای اینکه بتوان این عرصه مهم را مدیریت کرد، در وهله نخست، خود سازمان‌ها، نهادها و مراکز مدیریتی حوزه باید به بهترین شکل به ابزارهای نوین فضای مجازی تجهیز شوند و با قدرت کامل به این عرصه گام نهند و زیرساخت‌ها و زمینه‌های مناسب را فراهم آورند. جدا از مباحث مدیریتی و سازمانی، از جمله وظایف اصلی حوزه علمیه، آموزش و پژوهش است و بدیهی است که بدون مدیریت صحیح و مبتنی بر شیوه‌های نوین و روزآمد، تحقق شایسته و اثربخش این وظیفه، امکان‌پذیر نیست.

آنچه پیش روی شماست، گزارش نشست طرح «بازآفرینی حوزه‌های علمیه در فضای مجازی» است که توسط حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمید شهریاری، رئیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در حضور رئیس محترم حوزه‌های علمیه سراسر کشور، حضرت آیت‌الله علیرضا اعرافی و نیز اعضای شورای مدیریت حوزه‌های علمیه ارائه شده است.

حوزه‌های علمیه نیز که در شمار نهادهای دینی و فرهنگی به شمار می‌آیند، می‌توانند به‌شایستگی از فضای مجازی برای سامان‌دهی نظام مدیریتی، اداری، مالی، آموزشی و پژوهشی خود بهره‌مند گردند و در عمل، به کامیابی مطلوب‌تر در عرصه‌های مختلف نایل آیند. حوزه‌های علمیه، به مثابه نهادهایی چندبعدی‌اند که برای سرعت‌بخشی و بهبود فعالیت‌های خود می‌توانند در چارچوب مشخص و تعریف‌شده، از امکانات و ابزارهای جدید فضای مجازی استفاده کنند

این نشست، در تاریخ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۶ برگزار گردید. گفتنی است، به دلیل کوتاه‌بودن زمان نشست، امکان شرح و بیان تمامی عناوین و سرفصل‌های طرح وجود نداشته و بیشتر به تبیین موضوع بازآفرینی فضای مجازی در بخش مدیریت حوزه پرداخته شده است.

جهت اطلاع از نکات ارزنده و راهگشایی که در این طرح وجود دارد، شرح آن را در معرض استفاده خوانندگان عزیز قرار می‌دهیم. امید است این طرح، مسیر رشد و تعالی بیشتر حوزه‌های عملیه را هموارتر سازد و شاهد گسترش و تعمیق روزافزون فرهنگ دینی و اخلاقی در جامعه اسلامی باشیم.

آغازی خجسته برای هم‌افزایی بیشتر

نخستین سخنران این جلسه، حجت الاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی بود. خلاصه فرمایش ایشان به شرح ذیل است:

«نگاه مدیریتی حوزه علمیه، این است که همه نهادهایی که در فضای حوزه قرار دارند، یکی هستند و همگی از پیکره واحدند و در دور جدید که شورای هماهنگی نهادهای عالی حوزه راه‌اندازی شده، به تدریج این نگرش تعمیم پیدا خواهد کرد. در ضمن، با مراکز مثل مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی که با دفتر رهبر معظم انقلاب ارتباط دارند نیز یکی هستیم و با آنها احساس یگانگی داریم و امیدواریم که همواره شاهد هم‌افزایی بیشتر بین این نهادها باشیم. از این رو، مدیریت حوزه علمیه متواضعانه و

صمیمانه خودش را در خدمت حوزه و تعالی آن می‌بیند و نگاهی فراتر از بحث‌های بسته سازمانی و اداری دارد. انتظار داریم، ان‌شاءالله، با ایده‌ها و ابتکاراتی که در دستور کار است، تحولات بزرگ‌تری را رقم بزنیم.

امیدوارم با استفاده از مشاوره‌ها و تجربیات خوب جناب آقای دکتر شهریاری و دیگر همکارانشان، از جمله محور کلان «بازآفرینی حوزه علمیه در فضای مجازی»، گام‌های بلندی را برداریم و اساساً این جلسه نیز به همین منظور تشکیل شده است و ان‌شاءالله، جلسه امروز آغازی خجسته برای همکاری و هم‌افزایی بیشتر بین ما باشد.»

طرح بازآفرینی حوزه‌های علمیه در فضای مجازی

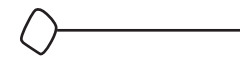
بعد از سخنان حجت الاسلام والمسلمین اعرافی، حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید شهریاری، رئیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ضمن بیان مقدمه‌ای کوتاه، طرح خود را در محورهای ذیل ارائه نمود:

- اهمیت رسانه در تبلیغات:

امروزه، بصیرت طلاب عزیز، به معنای آن است که وظیفه خویش را در هر برهه‌ای از زمان بشناسند؛ زیرا گستره فضای مجازی تمام ابعاد حیات انسان را فرا گرفته و لازم است نسبت فضای مجازی را با فضای عینی سبک زندگی بشناسیم و بدانیم که این عرصه چه نقشی در بازآفرینی حوزه علمیه دارد. از طرفی، می‌دانیم فضای مجازی ضمن تهدیدهایی که دارد، فرصت‌هایی را نیز در اختیار ما قرار داده است. از جمله تهدیدهای این فضا، دشمنی با دین و ولایت و انقلاب و یا حمله به ذهن و دل جوانان برای از بین بردن ایمان و اعتقادات و اخلاق و عفت و حیا در جامعه است؛ البته تا حدودی با اقدامات امنیتی، پلیسی و قضایی موفق بوده‌ایم این فضا را به مدیریت در بیاوریم؛ ولی طبیعتاً روحانیون محترم هم باید وظیفه خودشان را در این فضا به ظهور برسانند؛ مانند مقابله و پاسخگویی به شبهاتی که در این فضا علیه انقلاب و اصول



از جمله فواید فضای مجازی یا ابزارهای فناورانه اطلاعات و ارتباطات، این است که فرایندهای هر کاری را شناسایی می‌کند و به اشخاص اجازه نمی‌دهد که خارج از آن فرایندهای مشخص، کاری انجام دهند؛ یعنی فرایندها طوری تعریف می‌شود که توسط مدیران ارشد قابلیت کنترل و مدیریت داشته باشد



قانون اساسی و اسلام و نیز بر ضد حوزه‌های علمیه و روحانیت در حال نشر است. رهبر معظم انقلاب، در یکی از بیانات خود می‌فرمودند: خیلی از ما به فناوری‌های روز از جنبه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مجهز نیستیم و با روش‌های جدید آشنایی نداریم؛ با رایانه آشنا نیستیم و معنای واقعی آن را نمی‌دانیم و اهمیتش را درک نمی‌کنیم.

اینها همه نشان می‌دهد که لازم است در حوزه‌های علمیه تلاش جدی در این زمینه داشته باشیم تا بتوانیم با این فضا آشنا شویم. در بیانی دیگر رهبر فرزانه انقلاب فرمودند: هر نفر می‌تواند به‌تنهایی یک رسانه باشد. اگر قبلاً راه‌اندازی یک شبکه، میلیاردها تومان پول می‌خواست و یا به ارسال ماهواره به آسمان نیاز داشت تا بتوانید به کل دنیا پیامتان را برسانید، ولی امروز شما هر کدامتان می‌توانید در بستر فضای مجازی به‌راحتی توسط یک تلفن هوشمند، یک رسانه فعال داشته باشید و این، نکته خیلی مهمی است.

بحمدالله، امروزه ابزارهایی شبیه اینترنت و بسترهای مخابراتی، این امکان را فراهم آورده که همه شما بتوانید برای خودتان یک رسانه باشید و این، فرصت بزرگی است که فناوری روز در اختیار ما قرار داده است. بنده یک جایی عرض کردم پیام حضرت امام خمینی(ره) سال ۱۳۵۷ تولید شد؛ ولی سال ۱۳۷۵ نشر پیدا کرد و موجب بیداری اسلامی شد و مهم‌ترین دلیل آن هم اینترنت بود. به تعبیر حکیمانه رهبر معظم انقلاب، باید ببینیم باطل از کجا نشر پیدا می‌کند، حق خودمان را نیز از همان نقطه نشر بدهیم. به هر حال، اینها کارهایی است که باید حوزه‌های علمیه انجام دهند و

به طور جدی، وارد این عرصه شوند. البته این کلام، به معنای آن نیست که ما فقهت را کنار بگذاریم؛ بلکه به بیان رهبر انقلاب، توجه به این مهم، خودش عین فقه و فهم و درایت عمیق دین است. باید ببینیم بستر مورد نیاز جامعه امروز برای دستیابی به معنویت و دین، کجا و چگونه است و از همان بستر وارد بشویم و کارهای بزرگی انجام دهیم.

- نظام مدیریت منابع:

مدیریت، یکی از حوزه‌هایی است که در طول سالیان گذشته آسیب‌های جدی دیده است و همان طور که مطلع هستید، دلیل آن فقدان سامانه‌های مدیریتی درست در حوزه‌های علمیه بوده است و خیلی از اوقات نیز کارها صرفاً از طریق واسطه و ارتباطات بین اشخاص انجام شده و متأسفانه هنوز هم این سبک و سیاق در فضاها مدیریتی ما حاکم است.

در دیگر کشورها هر کار اداری، فرایندی مشخص و روشن دارد که باید طی شود؛ یعنی از یک نقطه شروع گردد و به انتها برسد تا نتیجه مطلوب حاصل شود؛ ولی در ادارات کشور ما، مردم دنبال این نیستند که مثلاً کاری که در شهرداری یا اداره برق دارند، از کجا شروع و به کجا ختم می‌شود؛ بلکه اول به سراغ آشنا و رابطه می‌گردند تا کارشان زودتر به انجام برسد؛ این نوع روش، به این معناست که هنوز در فرایندهای مدیریتی این فرهنگ جا نیفتاده که در هر کاری باید فرایندهای مخصوص به آن را طی کنیم.

از جمله فواید فضای مجازی یا ابزارهای فناورانه اطلاعات و ارتباطات، این است که فرایندهای هر کاری را شناسایی می‌کند و به اشخاص اجازه نمی‌دهد که خارج از آن فرایندهای مشخص، کاری انجام دهند؛ یعنی فرایندها طوری تعریف می‌شود که توسط مدیران ارشد قابلیت کنترل و مدیریت داشته باشد.

برای اینکه بخواهیم وارد بحث بازآفرینی نقش حوزه علمیه در فضای مجازی شویم و در مقوله مربوط به مدیریت سخن بگوییم، نخست باید یک اصطلاح را توضیح دهیم. اصطلاحی در سامانه‌های اطلاعاتی داریم به نام «ERP» که مخفف کلمه «Enterprise Resource planning» است؛ یعنی برنامه‌ریزی منابع سازمان؛ اما بنده با توجه به بحثی که دارم، اسم این عبارت را به «نظام مدیریت منابع» معنا می‌کنم. اصولاً هر سازمان و نهادی برای خودش منابع انسانی و منابع مالی دارد. برای اینکه بتوانیم مدیریت یکپارچه و سامان‌مندی را برای هر نهادی تأسیس کنیم، لازم است سامانه نظام مدیریت منابع را تأسیس کنیم تا

حال حاضر، تمام نقاط سراسری کشور از این طریق به هم وصل هستند و هرگاه مدیر یک سازمان اراده می‌کند که چیزی را به انتهای‌ترین نقطه از مجموعه کاری خودش ابلاغ نماید، در زمانی بسیار کوتاه، حتی کمتر از یک دقیقه، این ابلاغیه صادر و امضا می‌شود و به دست همگان می‌رسد. کار هم به گونه‌ای ساماندهی شده که همه از این ابلاغیه مطلع خواهند شد؛ در صورتی که در روش پست سنتی، ممکن است به هر دلیلی این ابلاغیه به دست مخاطب شما نرسد؛ اما در این اتوماسیون اداری، علاوه بر اینکه مطمئن هستیم این پیام مدیریتی از نقطه شروع به نقطه نهایی آن رسیده، همچنین، می‌توانیم رصد کنیم که فلان مدیر نامه‌ای را که در فلان تاریخ در کارتابلش دریافت کرده، چرا مثلاً بعد از گذشت بیست روز آن را به قسمت مربوطه ارجاع داده است. تمام اینها به صورت نمودار در آمده است و ما می‌فهمیم که چه کسی فعال و

بتوانیم مدیریت بهتری داشته باشیم. در نگاه کلی، اگر بخواهیم این اصطلاح را در حوزه علمیه پیاده کنیم، باید بگوییم مدیریت منابع انسانی در این فضا یعنی اینکه در تصمیم‌گیری‌های شما چه کسانی دخیل هستند؟ و ذی‌نفعان مرتبط با سازمان شما چه کسانی‌اند؟ اصولاً همه افرادی که با شما ارتباط دارند و کار می‌کنند، به نوعی به مدیریت احتیاج دارند که نوعاً آن را از طریق اتوماسیون اداری انجام می‌دهند.

برای روشن‌تر شدن مطلب، یک نمونه را مثال می‌زنم. قبل از اینکه بنده وارد قوه قضاییه شوم، وقتی نامه‌ای از سوی ریاست محترم قوه قضاییه صادر می‌شد، باید به ۹۰۰۰ قاضی در ۹۰۰ نقطه کشور آیین‌نامه‌ای را ابلاغ می‌کردند. آیین‌نامه مذکور ده تا پانزده صفحه متن بود که باید تیم بسیار بزرگی را تشکیل می‌دادند تا به تعداد قضاات از متن آیین‌نامه کپی بگیرند و آنگاه تمام اینها

هم‌اینک، بسیاری از طلاب علوم دینی آشنایی خوبی با فضای مجازی و مهارت‌های استفاده از اینترنت را یافته‌اند و پیوسته با این فضا مرتبط‌اند؛ اما برای اینکه بتوان این عرصه مهم را مدیریت کرد، در وهله نخست، خود سازمان‌ها، نهادها و مراکز مدیریتی حوزه باید به بهترین شکل به ابزارهای نوین فضای مجازی تجهیز شوند و با قدرت کامل به این عرصه گام نهند و زیرساخت‌ها و زمینه‌های مناسب را فراهم آورند

پُرکار است و چه کسی غیرفعال و کم‌کار است. همین مسئله، در حوزه حقوق و دستمزد کارکنان نیز قابلیت اجرا دارد؛ مثلاً شما تصمیم می‌گیرید پنج درصد حقوق‌ها را اضافه کنید. اگر سیستم شما اتوماسیونی و بر اساس فناوری روز باشد، دقیقاً به شما می‌گوید که با اضافه شدن این پنج درصد، عملاً چه اتفاقی در سیستم اداری و کاری شما می‌افتد. آیا این افزایش با بودجه یا درآمدهای شما تناسب دارد یا نه. اما اگر بخواهید به سبک سنتی و بدون در نظر گرفتن این گونه مسائل، در صدی را به حقوق کارمندان اضافه کنید، در پایان سال دچار مشکل می‌شوید و آثار و تبعات تصمیم‌گیری شما آن وقت خودش را نشان می‌دهد. این دست مشکلات وقتی بروز می‌کند که شما ابزارهای کافی و کامل برای اندازه‌گیری و مدیریت و کنترل این نوع تصمیم‌ها را نداشته باشید.

را به نشانی پستی آن ۹۰۰۰ قاضی ارسال کنند. مطمئناً همه قضاات در یک روز این نامه را دریافت نمی‌کردند و امکان داشت با فاصله زمانی مثلاً یک تا بیست روز به دست مخاطبان‌شان برسد که زمانی طولانی بود.

علاوه بر این، ارسال مراسلات پستی به شکل سنتی، هزینه‌های گسترده‌ای را نیز به دنبال داشت. اگر میانگین هزینه هر نامه را ۵۰۰۰ تومان در نظر بگیریم، حدود ۵۰ میلیون تومان باید برای انجام این کار هزینه شود. اینها فقط برای ابلاغ یک آیین‌نامه است؛ حالا اگر شما نامه‌های متعددی را که باید میان این ۹۰۰ نقطه از کشور تبادل شود، به این مسئله اضافه کنید، مشکلات و سختی قضیه را بیشتر درک خواهید کرد؛ اما با راه‌اندازی اتوماسیون اداری، هرچند چیزی حدود دو میلیارد تومان هزینه برده، ولی در

مدیریت مالی و ذیحسابی	حسابداری دولتی	کنترل بودجه و تامین اعتبار	تجمیع و عاملین ذی حساب
دریافت و پرداخت	اموال و دارائی‌ها	دارائی ثابت	
مدیریت اداری و منابع انسانی	اتوماسیون اداری	حقوق و دستمزد	احکام و کارگزینی
تشکیلات سازمانی	ماموریت	مدیریت آموزش	
ارزشیابی کارکنان	مدیریت تردد		
پشتیبانی و خدمات عمومی	خرید و تدارکات	انبار و حسابداری انبار	
	گزارش‌های تحت وب	کنترل مالی قراردادهای پیمانکاری	
ابزارها	گزارش‌ساز	فرم‌ساز	
	انتشار اطلاعات	تسهیلات شخصی	

در بحث آموزش نیز قضیه به همین منوال است. گاهی شما در دفتر کارتان نشسته‌اید و تشخیص می‌دهید که فلان آقا برود و فلان آموزش را ببیند و با یک نامه این کار را انجام می‌دهد؛ ولی واقعاً در کل سیستم سازمانی شما چند نفر دیگر نیازمند این نوع آموزش هستند؟ و یا هر کدام چه آموزش‌هایی نیاز دارند؟ در جامعه المصطفی گزارش خیلی خوبی تهیه شده بود که مثلاً منابع انسانی باید چه نوع آموزش‌هایی ببینند. به نظر بنده، اینها باید از رأس هرم به بدنه سازمان توسعه پیدا کند و برای انجام این کار، نیازمند ابزارهای خاص هستیم که همه این کارها را به راحتی انجام دهد.

بحث دیگر ارزشیابی کارکنان و مدیران است؛ برای مثال، شما در اینجا نمی‌دانید که فلان استاد در حوزه علمیه فلان شهرستان، تا حالا چقدر غیبت داشته است. برای دانستن این مطلب، یک سبک مدیریتی این است که به مدیر آن حوزه بگویید گزارشی از حضور و غیاب اساتید خودش را برایتان بفرستد؛ اما سبک مدیریتی دیگری نیز وجود دارد که بر مبنای فناوری اطلاعات استوار است که در

کوتاه ترین زمان، اطلاعات دقیق و لازم را برای این منظور در اختیار شما قرار می‌دهد.

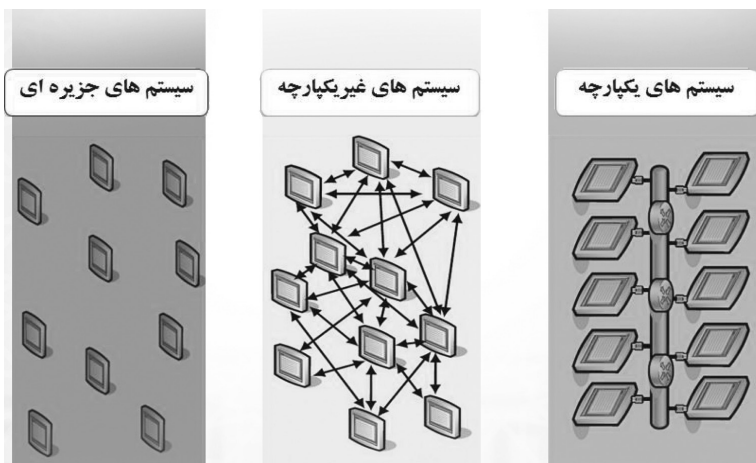
غیر از بحث مدیریت منابع انسانی، وضعیت مدیریت پشتیبانی و خدمات عمومی و یا خرید و تدارکات، انبارداری و حسابداری، اعلام گزارش‌ها و کنترل‌های مالی، همگی به همین شکل قابل تبیین است؛ برای نمونه، یک رئیسی به ما می‌گوید ماشین نداریم که استادمان را بیاوریم و ببریم. آیا شما سامانه‌ای دارید که بدانید اصلاً در آن مرکزی که درخواست ماشین داده، چند ماشین دارند؟ یا اینکه ممکن است بگویند دو عدد ماشین داریم که یکی از آنها خراب است. آیا سیستمی دارید که صحت اینها را بررسی کنید و بتوانید تصمیم درست بگیرید. اینها نمونه‌ای از صدها مصداق است که واقعاً با سیستم‌های دستی و سنتی، قابلیت اجرای دقیق و صحیح ندارد.

– مشکل یکپارچه نبودن سیستم‌های مدیریتی:

فرض بر این است که همه شما قبول دارید تجهیز به فناوری روز، نیاز اساسی ماست و مثلاً به مدیران خود دستور دادید که بر اساس فناوری اطلاعات کارهای خودشان را سامان بدهند. بعد هم هر کدام از آنها بروند و مهندسی را پیدا کنند و برای خودشان، به تناسب فضای کاری خود مثل: آموزش، پژوهش یا تبلیغ، سامانه‌ای بنویسند. حالا اگر بخواهید بدانید که در سامانه تبلیغ شما چند تا ماشین وجود دارد و یا در بخش آموزش تعداد ماشین‌های خریداری شده چقدر است و این تعداد چه نسبتی با تعداد استاد‌های کل کشور دارد، با یک مشکل مواجه می‌شوید و آن این است که این سامانه‌های متعدد، هیچ‌کدام به هم ارتباط

لازم است در حوزه‌های علمیه تلاش جدی در این زمینه داشته باشیم تا بتوانیم با این فضا آشنا شویم. در بیانی دیگر رهبر فرزانه انقلاب فرمودند: «هر نفر می‌تواند به تنهایی یک رسانه باشد.» اگر قبلاً راه‌اندازی یک شبکه، میلیاردها تومان پول می‌خواست و یا به ارسال ماهواره به آسمان نیاز داشت تا بتوانید به کل دنیا پیامتان را برسانید، ولی امروز شما هر کدامتان می‌توانید در بستر فضای مجازی به راحتی توسط یک تلفن هوشمند، یک رسانه فعال داشته باشید و این، نکته خیلی مهمی است

ما می‌توانیم یک پایگاه اطلاعاتی مشترک داشته باشیم که تحت مدیریت فناوری اطلاعات شکل گرفته و به تمام حوزه‌های دیگر سرویس می‌دهد و در عمل، به حذف مغایرت‌ها و تسهیل و تصحیح تصمیم‌گیری‌ها می‌انجامد. گاهی اوقات سیستم پیشنهاد نیز می‌دهد؛ یعنی به شما می‌گوید الان وقت آن است که فلان تصمیم را بگیرید. تسریع گردش اطلاعات بین واحدهای کاری در یک فرایند، تهیه گزارش‌های ترکیبی یکپارچه و جلوگیری از دوباره‌کاری‌ها، از جمله مزایای سیستم یکپارچه است



ندارند و در نتیجه، هرگز نمی‌توانند با یکدیگر اطلاعات خود را مبادله کنند؛ چون هر کدامشان به طور مستقل و با قطع نظر از دیگری نوشته شده‌اند. اگر هم بخواهید بین اینها ارتباطی ایجاد کنید، بزرگ‌ترین مصیبت شماست. در دهه ۱۹۹۰م حدود ۶۰ درصد از پروژه‌های فناوری در اتحادیه اروپا شکست خورد. علت اصلی آن، این بود که سامانه‌های فراهم‌شده بدون در نظر گرفتن با سامانه‌های دیگر نوشته شده بودند و نمی‌توانستند با یکدیگر مبادله اطلاعاتی یا ارتباطاتی داشته باشند و یا سرویس‌دهی کنند. این حالت را «مدیریت جزیره‌ای» می‌گویند. بدیهی است که چنین سیستم پراکنده و

محصی‌ها، حضور و غیبت اساتید.

بزرگ‌ترین خطای ما در بحث فناوری، این است که مدیران اجرایی فکر می‌کنند امور مربوط به فناوری سیستم خودشان را باید خودشان انجام بدهند؛ درحالی‌که این یعنی ایجاد همان سیستم‌های جزیره‌ای که باعث بروز مشکلات متعددی خواهد شد. البته باید این نکته را تأکید کنم که کار فناوری، آموزش یا پژوهش نیست؛ کار اصلی فناوری، خدمات‌دادن به امور مورد نیاز بخش‌های آموزشی یا پژوهشی است. در حقیقت، عمده کار فناوری، یکپارچه‌سازی سامانه‌هایی است که در سیستم‌های مختلف وجود دارد. در این صورت، مهندسان فناوری برای طراحی یکپارچه سیستم‌ها نمایی کلی می‌کشند و همه این پیکر را به هم متصل می‌کنند تا در عمل، با مشکل منابع انسانی یا مالی دچار نشویم. این نکاتی که عرض کردم، مشکلاتی است که هم‌اکنون در سطح کلان و ملی هم با آن مواجهیم و اختصاصی به حوزه علمیه ندارد. تلاش ما بر این است که این ادبیات و فرهنگ، یعنی

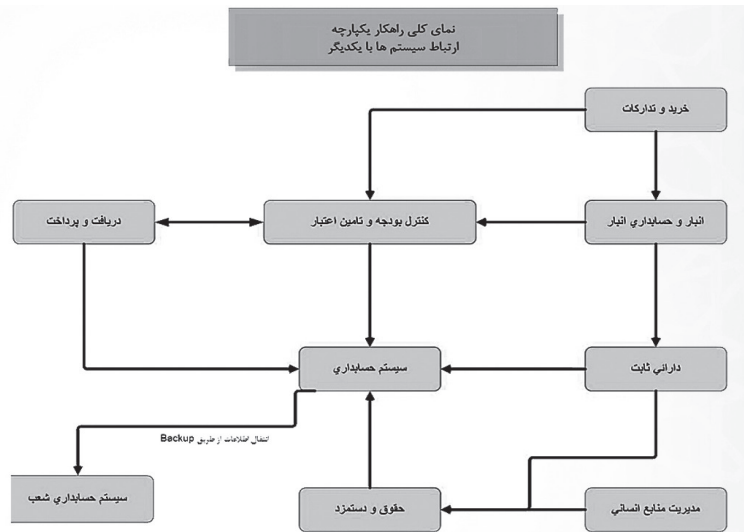
مجزایی که هیچ‌یک به دیگری ارتباطی ندارد، کارساز نیست و چه بسا در عمل، به موازی‌کاری یا تکرار برخی دستورعمل‌ها و صرف هزینه‌های غیرضروری می‌انجامد.

متأسفانه، این سیستم در کشور ما وجود دارد و برای برون‌رفت از این مشکل، باید سیستم مدیریت یکپارچه و واحد را در نظر گرفت. برای این منظور، یک مدیریت واحد را برای فناوری اطلاعات در سازمان‌های کلان خود تأسیس می‌کنیم و این مدیریت واحد، تمام پروژه‌های زیرمجموعه خودش را مدیریت می‌کند و همه اطلاعات را به صورت یکپارچه برای همه تهیه می‌نماید؛ مثلاً اگر قرار است فهرست اساتید کل کشور استخراج شود، در سیستم فناوری جدید، این کار یک بار و یک جا انجام می‌شود و همه کارهای مرتبط با این فضا نیز در همین سامانه یکپارچه، قابل کنترل و مدیریت است. در این نوع سامانه، همه چیز سر جای خودش است؛ مثل اضافه‌کردن حقوق، کم یا اضافه‌نمودن نیروی انسانی، خرید ماشین، تهیه رایانه و تجهیزات مرتبط، موافقت با

دیگر سرویس می‌دهد و در عمل، به حذف مغایرت‌ها و تسهیل و تصحیح تصمیم‌گیری‌ها می‌انجامد. گاهی اوقات سیستم پیشنهاد نیز می‌دهد؛ یعنی به شما می‌گوید الان وقت آن است که فلان تصمیم را بگیرید. تسریع گردش اطلاعات بین واحدهای کاری در یک فرایند، تهیه گزارش‌های ترکیبی یکپارچه و جلوگیری از دوباره‌کاری‌ها، از جمله مزایای سیستم یکپارچه است.

در بحث ERP یا نظام مدیریت منابع، اصطلاحی وجود دارد به نام «داشبورد مدیریتی»؛ یعنی وقتی مدیر صبح اول وقت سر کارش می‌آید، اصلاً از هیچ‌کس سؤال نمی‌کند؛ چون سامانه به شکل منسجم و مرتبط طراحی شده و خود سیستم همه نقاط مثبت و منفی را به مدیر نشان می‌دهد که مثلاً تصمیمات سابق شما چه بوده و الان وضعیت موجود چگونه است. سیستم به طور خودکار وضعیت‌های قرمز کاری را به شما گوشزد می‌کند و شما می‌توانید برای رفع مشکل، تصمیم مقتضی و درست را بگیرید. در حال حاضر، ما این داشبورد مدیریتی را در حوزه دستگاه قضایی اجرایی کرده‌ایم که در فضاهای دیگر مدیریتی مثل حوزه‌های علمیه نیز قابل اجراء است.

کار دیگری که این نوع سیستم مدیریتی می‌کند، ارتقای توان مدیریتی و جلوگیری از کم‌کاری است؛ الان که این نوع سیستم در قوه قضاییه پیاده‌سازی و اجرا شده است، ما گفته‌ایم که به عنوان مثال، دستگاه قضایی پنجاه شاخه اداری و قضایی دارد. چنانچه یک قاضی در حیطه کاری خودش شخصی را بازداشت کند، ولی وضعیت او را معین نکند که چرا بازداشت شده و چه زمانی از بازداشت خارج می‌گردد، خود سیستم به طور خودکار برای شعبه مربوطه، چهار نمره منفی در نظر می‌گیرد. قاعدتاً رئیس این شعبه باید حواسش جمع باشد که آخر ماه امتیاز شعبه‌اش از صد به پایین نازل می‌کند؛ به طوری که اگر شعبه‌ای امتیازش به زیر سی برسد، وارد منطقه خطر شده است. ما هر ماه، گزارش مناطق خطر در شعب قضایی را به دست رئیس کل‌ها می‌دهیم تا تدبیری بیندیشند. اینها همه در سوابق کاری آن رئیس ثبت می‌شود و توان و اشراف مدیریتی آنها ارزش‌گذاری خواهد شد و اگر مناطق قرمز زیاد داشته باشند، نشان می‌دهد که این آقا اشراف خوبی به زیرمجموعه خودش ندارد و از

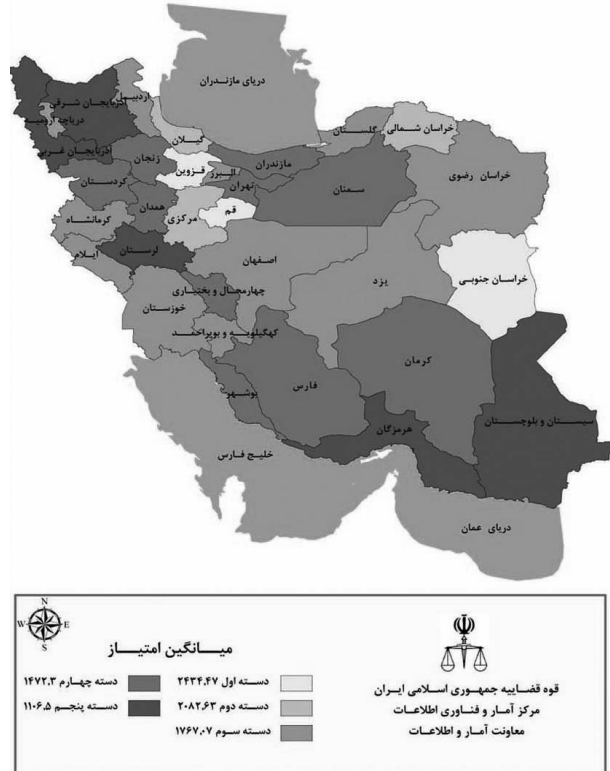


مدیریت یکپارچه منابع را وارد سامانه‌های مدیریتی کشور کنیم. وقتی مدیریت ما سیستم یکپارچه داشت، آن وقت مدیر ارشد دستگاه طبق گزارشی که این سیستم به او می‌دهد، تصمیم بهتری می‌گیرد و پیش از مثلاً افزایش حقوق، تمام جوانب و آثار آن را مد نظر قرار می‌دهد و به روشنی می‌داند که تصمیمات او عملاً منجر به چه تصمیمات یا نتایج دیگری خواهد شد. وقتی یک مدیر بداند که تصمیم او، در بخش‌های مختلف و یا پایین هرم سازمانش او چه تبعاتی دارد، با دقت و ظرافت بیشتری دستورعمل صادر می‌نماید و به همه مشکلات و کاستی‌های موجود و یا احتمالی نیز واقف خواهد بود؛ زیرا هر تصمیم که شما در مجموعه خودتان می‌گیرید، پیامدهای خود را در مناطق دیگر نشان می‌دهد.

بنابراین، ما می‌توانیم یک پایگاه اطلاعاتی مشترک داشته باشیم که تحت مدیریت فناوری اطلاعات شکل گرفته و به تمام حوزه‌های



دسته بندی استان ها بر اساس میانگین کل امتیاز



امتیاز پایینی برخوردار است. بنابراین، همین سیستم باعث می شود که مدیر مربوطه بیشتر حواسش را جمع کند تا نمره و امتیاز بالاتری را کسب نماید؛ درحالی که در روش سنتی، چنین نظارت و آثاری وجود ندارد و انگیزه لازم را هم برای مدیریت کارآمد ایجاد نمی کند. افزون بر این، برای بررسی و کنترل و بازرسی وضعیت عملکرد مدیران به روش سنتی، شما باید وقت و هزینه بسیاری صرف کنید که نتیجه آن نیز خیلی دقیق نیست؛ اما با روش جدید، حتی دورافتاده ترین مراکز نیز با تلاش و قوت و دقت بیشتری کار

می کنند؛ چون عملکرد خویش را در معرض دید و ارزیابی رأس هرم مدیریتی می بینند. با این کار ما، تحرک جدیدی در دستگاه قضا شروع شد و مجموع عملکرد امتیازی شعب قضایی در سراسر کشور در طول چند سال، رشد چشمگیری پیدا کرد؛ چون همه تلاش می کردند امتیازات خود را افزایش بدهند.

البته برای اصلاح یک سازمان باید کم کم شاخص ها را معرفی و عملیاتی کرد و مثلاً می توانید بگویید که هرکس امسال به این پنج شاخص عمل کند، ده امتیاز به او می دهیم. وقتی شاهد رشد و ارتقای کار شدیم، دوباره پنج شاخص دیگر را اضافه می کنیم و به همین شکل، عملکرد سازمان را تا رسیدن به نتیجه مطلوب، بر اساس سیستم جدید مدیریت می کنید.

اگر بخواهم در حوزه آموزش نیز مثالی بزنم، می توانم به موضوع حضور و غیاب اساتید اشاره کنم که نصب دستگاه های ثبت اثر انگشت در مدارس، باعث می شود شما به خوبی بتوانید بر وضعیت و انضباط اساتید خود در کل کشور نظارت داشته باشید. البته ممکن است برای این نوع تغییرات سیستمی، مخالفت هایی هم وجود داشته باشد و برخی، شأن آقایان را اجل از آن بدانند که بخواهیم آنها را کنترل کنیم؛ ولی به هر حال، برای ساماندهی کارها و مدیریت بهتر افراد، باید آن را برای همه اجرا کنیم. در این روش، دیگر به طور مستقیم با افراد مواجهه نداریم و در پایان هر سال می توان بر اساس گزارش سیستم، به ارزیابی و مدیریت اشخاص پرداخت؛ چون افراد وقتی می فهمند تحت کنترل سامانه ای قرار دارند، خودبه خود رفتارهایشان تغییر پیدا می کند؛ مثل دوربین هایی که راهنمایی و رانندگی در جاده ها نصب کرده و باعث اصلاح رفتار رانندگان متخلف می شود. می گویند در شهر لندن بیش از دو میلیون دوربین وجود دارد که باعث شده رانندگان با رعایت کامل قوانین به رانندگی بپردازند.

مسئله دیگر اینکه اگر کسی بخواهد دروس حوزوی را در کشور دیگر مثل آلمان بخواند و قادر نیست به ایران بیاید، باید شرایط این کار را برای آنها فراهم کنیم و این هم، از طریق فضای مجازی امکان پذیر است. البته شیوه حضوری، سبک خوبی است و فراگیری دروس به روش چهره به چهره مزایای خاص خودش را دارد، ولی باید شرایط خواندن دروس غیر حضوری نیز فراهم شود تا اگر کسی در نقاط دوردست دنیا و یا کشور خودمان مثل سیستان و بلوچستان بود، بتواند از درس ها و اساتید خوب حوزه علمیه قم استفاده کند. ما باید بسترهای اینکار را فراهم کنیم

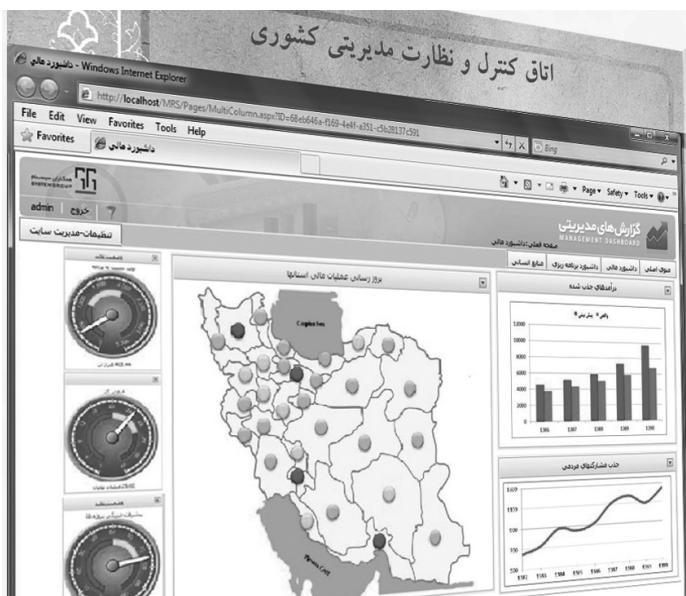
امروزه، یکی از مشکلات شیوه تحصیل حضوری برای برخی طلاب خارجی، این است که وقتی در اینجا حضور می‌یابند، به جهت جوّ متشنج و مسمومی که عده‌ای مغرض و معاند جمهوری اسلامی ایجاد کرده‌اند، مارک ایرانی بر پیشانی‌شان می‌خورد و کشور خودشان نیز آنها را تحویل نمی‌گیرند و یا به کشوری خاص راهشان نمی‌دهند؛ درحالی‌که شما می‌توانید به راحتی در فضای مجازی بسترهایی را فراهم کنید که آنها با خیال راحت بتوانند در همان کشور خودشان، از همه خدمات آموزشی که در حوزه علمیه قم ارائه می‌شود، استفاده کنند

رانندگی صحیح و قانونی را در میان مردم خودشان جا بیندازند؛ یعنی با کنترل بیرونی توانسته‌اند یک فرهنگ را درونی نمایند و این سیستم توانسته عده‌ای را تربیت کند. البته ما قائل به همان شیوه‌های سنتی تربیت درونی مثل مباحث اخلاقی نیز هستیم و مسئله تربیت دینی سر جای خودش هست؛ ولی کنترل بیرونی هم باید کنارش باشد تا به نتیجه مطلوب برسیم. امروز مدیریت علمی در دنیا به وسیله ابزارها به کنترل رفتارها می‌پردازد و فرایند مدیریت را تسهیل می‌نماید. اصولاً میان کنترل بیرونی و تربیت درونی، نسبت و رابطه وجود دارد. یک فیلسوف اخلاق می‌گفت: اگر شما می‌خواهید بچه‌ای را تربیت کنید و فضیلتی را به او تعلیم دهید، باید به او جایزه یا شکلات بدهید تا به انجام آن کار رغبت پیدا کند؛ چون مثلاً بچه کوچک که هنوز به سن تکلیف نرسیده،

ما وقتی خواستیم در قوه قضاییه ابلاغ را الکترونیکی کنیم، دو سال و نیم سعی کردیم ادبیات سازمانی لازم را برای این مهم تولید نماییم تا بتوانیم مقاومت قضات را کاهش دهیم. روشن است که در برابر مقاومت‌های سازمانی، نمی‌توان به شکل دستوری رفتار کرد؛ بلکه باید اول فرهنگ و ادبیات لازم را ایجاد کنیم تا افراد خودشان کم‌کم فواید این کار را برای حوزه درک کنند.

همچنین، این سیستم جلوی برخی مفاسد مثل رشوه‌خواری را نیز می‌گیرد. وقتی همه چیز الکترونیکی باشد، دیگر شخص به کسی مراجعه ندارد تا بخواهد رشوه بدهد؛ بلکه همه کارها توسط سیستم سامان می‌یابد و پیش می‌رود؛ اما وقتی روند کارها دست اشخاص باشد و به سبک سنتی کار کنیم، راه برای بروز برخی خطاها و جرم‌ها باز است؛ البته در طراحی این سیستم جدید، باید نسخه مورد نیاز حوزه‌های علمیه را متناسب با کارکردها و فرایندها و رفتارها و افراد ذی‌نفعی که در مجموعه حوزه داریم، تدوین کنیم.

من معتقدم که سیستم مدیریتی که عرض کردم، قدرت کنترلی دارد و می‌تواند انسان‌ها را تحت نظارت خویش قرار دهد؛ چنانچه در کشورهای خارجی نیز از این طریق قادر شده‌اند افراد را کنترل نمایند. به طور کلی، ما دو نوع روش برای کنترل افراد داریم؛ یکی روش کنترل درونی، دوم روش کنترل بیرونی. اسلام راه‌هایی را برای اصلاح و کنترل درونی معرفی کرده که در جای خود لازم و ضروری است؛ ولی امروزه کشورهای خارجی چون ادبیات غنی اسلامی و فرهنگ اصیل و پرمحتوای اهل بیت(ع) را ندارند، برای خودشان این سیستم‌ها را راه‌اندازی کرده‌اند و نتیجه هم گرفته‌اند. به نظر من، اگر بتوانیم رفتار بیرونی افراد را کنترل و درست کنیم، این مسئله بستری را فراهم می‌سازد تا درون انسان‌ها نیز درست شود؛ چنان‌که الآن با دوربین‌های نظارتی توانسته‌اند فرهنگ



بخواهد صبح از بستر خواب بلند شود و نماز بخواند، برایش سخت است و نیازمند یک محرک است؛ اما وقتی جایزه‌ای در کار باشد، برای دستیابی به آن حاضر است سختی‌ها را تحمل کند. آن فیلسوف اخلاق می‌گفت: روزهای اول بچه به نیت شکلات نماز می‌خواند؛ ولی کم‌کم به آن عمل عبادی علاقه‌مند می‌شود و می‌فهمند در این نماز ارتباطی بین او و پروردگارش ایجاد می‌شود و دیگر برای شکلات، این کار را انجام نمی‌دهد؛ یعنی شما با آن ابزار، بسترسازی کردید تا به اینجا برسید. بحث از سیستم‌های مدیریتی جدید نیز همین است که به مرور زمان، بستر و مقدمات لازم را برای تربیت درونی فراهم می‌کند و در واقع، بین این دو نوع کنترل و تربیت، رابطه وجود دارد.

واقعیت امر این است که روش مدیریت سنتی باعث می‌شود که عملاً تصمیم‌های ناسازگار و مخالف هم بگیریم؛ یعنی شما امروز یک تصمیم می‌گیرید؛ ولی چون ابزارهای نوین فناوری را برای مدیریت یکپارچه در اختیار ندارید، سال دیگر همین موقع، تصمیمی مخالف تصمیم قبلی می‌گیرید و اصلاً خودتان هم متوجه نیستید دارید چه کار می‌کنید؛ ولی آسیب‌های این نوع تصمیم‌گیری خودش را در جایی نشان خواهد داد و مشکلاتی را به بار می‌آورد. البته منظور ما این نیست که از آن طرف پشت‌بام بیفتیم، ولی به هر حال برای پیشرفت بهتر باید از یکسری ابزارهای مدیریتی که در دیگر کشورها جواب خوبی داده، استفاده کنیم؛ مثلاً در بحث رانندگی چرا باید عده‌ای خاص با عدم رعایت قانون، برای بیشتر مردم مشکل ایجاد کنند و آسایش را از دیگران سلب نمایند و یا دو سه نفر خاص با رشوه‌گرفتن در یک اداره، برای مجموعه یک سازمان بدنامی به بار بیاورند. باید با ابزارهای جدید جلوی این‌گونه مشکلات گرفته شود. اگر شخصی یا کارمندی حس دیده‌شدگی داشته باشد، بیشتر مراقب خودش است و اگر افراد زبردست ما این حس را نداشته باشند، روش خوبی برای تربیت و مدیریت آنها، انتخاب نکرده‌ایم؛ چنان‌که در روایات ما آمده است باید هم مراقبت درونی داشته باشیم و هم تحت مراقبت بیرونی قرار بگیریم؛ مثل اینکه از همراهی یک استاد و همراه برخوردار باشیم و تحت نظارت او حرکت کنیم. اینها که عرض می‌کنم دانش روز جهانی و نیز تجربیات و مشکلات ملی خودمان در زمینه مدیریت است.

یکی دیگر از بحث‌های مربوط به بازآفرینی حوزه در فضای مجازی، بحث آموزش است و اینکه در آموزش علوم حوزوی، باید دروس سطح و خارج سامان‌دهی شود. باید بدانیم چند درس سطح داریم، چند درس خارج داریم و هرکدام از اساتید در این سطوح،

یکی از بحث‌های مربوط به بازآفرینی حوزه در فضای مجازی، بحث آموزش است و اینکه در آموزش علوم حوزوی، باید دروس سطح و خارج سامان‌دهی شود. باید بدانیم چند درس سطح داریم، چند درس خارج داریم و هرکدام از اساتید در این سطوح، چند شاگرد دارند و از میان این شاگردان، چند نفر همیشه در کلاس درس حاضر می‌شوند و هرکس چه دروسی را خوانده و در نهایت بحث مدارک حوزوی مطرح می‌شود که در جای خودش یک مسئله مهم است

چند شاگرد دارند و از میان این شاگردان، چند نفر همیشه در کلاس درس حاضر می‌شوند و هرکس چه دروسی را خوانده و در نهایت نیز بحث مدارک حوزوی مطرح می‌شود که در جای خودش یک مسئله مهم است. ما واقعاً چه نظارت‌هایی بر رفتارهای اساتید و طلاب عزیز داریم.

بحث دیگر، موضوع معارف اسلامی است که باید معلوم شود تا چه حدی می‌خواهیم برخی از علوم را در حوزه گسترش بدهیم و یا دانش‌های جدید حوزوی چیست؛ مثل بحث طب سنتی که باید سامان‌دهی مشخصی داشته باشد. چندی پیش که خدمت وزیر بهداشت بودم، ایشان در این باره به حوزه‌های علمیه اعتراض داشت و می‌گفت: طب، یک امر تخصصی است. چرا شما وارد این عرصه می‌شوید؟ شما دارید وارد عرصه‌هایی می‌شوید که دانش جدید معارض با آنهاست. بنده هم به ایشان گفتم: وقتی شما طب اسلامی را به رسمیت نشناسید، اینها خودشان دست به کار می‌شوند؛ چرا شما این طب را به رسمیت نمی‌شناسید؟ الان در چین طب سنتی خودشان را به رسمیت شناخته‌اند و جای خودش را هم به‌خوبی باز کرده است. شما هم طب اسلامی را به رسمیت بشناسید و با صاحب‌نظران حوزه علمیه حدود و ضوابطش را تعیین کنید و مجوزهای لازم را نیز صادر نمایید. باید برای این موضوعات، فکر و برنامه‌ریزی کرد و با مدیریت صحیح، آن را

سامان‌دهی نمود.

بحث دیگر، مقوله آموزش زبان‌های خارجی در حوزه است که باید در بستر فضای مجازی توسعه پیدا کند. الان درس غیرحضوری زبان خارجی، در دنیا مرسوم شده است و دیگر نیازی به کلاس حضوری نیست. برای این مسئله هم باید سازوکارهای لازم پیش‌بینی شود و با مدیریت خوب، آن را هدایت کنیم.

مسئله دیگر اینکه اگر کسی بخواهد دروس حوزوی را در کشور دیگر مثل آلمان بخواند و قادر نیست به ایران بیاید، باید شرایط این کار را برای آنها فراهم کنیم و این هم، از طریق فضای مجازی امکان‌پذیر است. البته شیوه حضوری، سبک خوبی است و فراگیری دروس به روش چهره‌به‌چهره مزایای خاص خودش را دارد، ولی باید شرایط خواندن دروس غیرحضوری نیز فراهم شود تا اگر کسی در نقاط دوردست دنیا و یا کشور خودمان مثل سیستان و بلوچستان بود، بتواند از درس‌ها و اساتید خوب حوزه علمیه قم استفاده کند. ما باید بسترهای اینکار را فراهم کنیم. شما ملاحظه کنید ببینید گروه تروریستی داعش از طریق همین فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی درست شد و گسترش یافت و از تمام دنیا نیرو گرفت. وقتی گروه تکفیری داعش برای کفر خودش توانسته این طوری از سراسر دنیا یارگیری کند، چرا برای خیر خودمان که در حوزه علمیه است، نتوانیم از سراسر دنیا یارگیری کنیم.

امروزه، یکی از مشکلات شیوه تحصیل حضوری برای برخی طلاب خارجی، این است که وقتی در اینجا حضور می‌یابند، به جهت جوّ متشنج و مسمومی که عده‌ای مغرض و معاند جمهوری اسلامی ایجاد کرده‌اند، مارک ایرانی بر پیشانی‌شان می‌خورد و کشور خودشان نیز آنها را تحویل نمی‌گیرند و یا به کشوری خاص راهشان نمی‌دهند؛ درحالی که شما می‌توانید به راحتی در فضای مجازی بسترهایی را فراهم کنید که آنها با خیال راحت بتوانند در همان کشور خودشان، از همه خدمات آموزشی که در حوزه علمیه قم ارائه می‌شود، استفاده کنند؛ در غیر این صورت، ما مدیران خوبی برای آینده کشورمان نیستیم.

الآن در دنیا دانشگاه‌های غیرحضوری مرسوم شده و عده‌ای در کشور خودشان به طور مجازی، مثلاً در کرسی‌های موقت و شش‌ماهه یک دانشگاه خارجی شرکت می‌کنند و مدرک هم می‌گیرند و یا طرح‌های مربوط به کسب‌وکار که این گونه است و افراد با گذراندن دوره‌های مجازی، مطالب خیلی کاربردی و مفیدی هم فرامی‌گیرند؛ بدون اینکه به طور فیزیکی و صرف هزینه‌های کلان، به دانشگاه‌های معتبر رفته باشد. بنابراین، باید

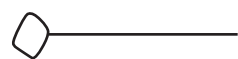
دوره‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای آموزش علوم و معارف اسلامی خودمان در نظر بگیریم و در بستر فضای مجازی نیز سازوکارش را فراهم نماییم.

نمونه دیگر در این باره، بحث مدیریت مدارس حوزوی، تألیف و تدوین متون حوزوی و نیز حمایت از اساتید است. فرض کنید عده‌ای از علمای ما در نقاط دوردست کشور مشغول آموزش و تعلیم عده‌ای از علاقه‌مندان هستند. ما برای آن مدرّس که در دورترین نقطه کشور کار می‌کند، چه کاری انجام داده‌ایم. اینها بحث‌هایی است که به راحتی می‌شود در این فضا آنها را طراحی و اجرا کرد.

مسئله دیگر، آمار و اطلاعات طلبه‌هایی است که در حوزه آموزشی یا دیگر حوزه‌های ما کار می‌کنند. اگر بخواهیم به سبک سنتی به بازدید مراکز حوزوی خودمان برویم و یکی‌یکی به آنها سرکشی کنیم، معلوم نیست عملاً چقدر اطلاعات به دست می‌آوریم و یا چقدر از آن اطلاعات به کارمان می‌آید تا بتوانیم در تصمیم‌گیری‌ها از آنها استفاده نماییم. اگر ما بستر مناسبی را برای رصد و مدیریت این امور فراهم کنیم، خیلی بهتر و راحت‌تر می‌توانیم آنها را مدیریت کنیم؛ مثلاً وقتی در بخش پژوهش آقایان اطلاعات مربوط به طرح‌های پژوهشی خود را در سامانه ثبت کنند، مدیران ناظر می‌توانند از این طرح‌ها گزارش‌گیری نمایند و با اشراف و نظارت ریاست حوزه علمیه نیز از طرح‌های مناسب حمایت شود و یا خود پژوهشگران هم تحت نظارت و مدیریت قرار بگیرند. شما می‌بینید برخی از محققان چند جا کار می‌کنند و در هر پژوهشی



عمده کار فناوری، یکپارچه‌سازی سامانه‌هایی است که در سیستم‌های مختلف وجود دارد. در این صورت، مهندسان فناوری برای طراحی یکپارچه سیستم‌ها نمایی کلی می‌کشند و همه این پیکر را به هم متصل می‌کنند تا در عمل، با مشکل منابع انسانی یا مالی دچار نشویم





دست دارند. اگر نظام مدیریت منابع راهاندازی شود، شما روی کار همه نیروهای خودتان اشراف مدیریتی دارید و می‌توانید آنها را در مسیر درست هدایت کنید تا از موازی‌کاری جلوگیری شده، نتایج مطلوب‌تری عاید حوزه گردد.

در خصوص پژوهش‌های کاربردی برای نظام جمهوری اسلامی، خیلی از دستگاه‌ها مشکل دارند؛ مثلاً در دانشگاه‌ها پروژه‌های علمی معمولاً تناسبی با مشکلات نظام جمهوری اسلامی ندارند؛ جز آنکه محققان می‌خواهند استادیار، دانشیار و بعد استاد تمام شوند. همه دنبال این

هستند که چند مقاله پژوهشی به چاپ برسانند و برچسب ISI و ISC بزنند. خب، اینها که کافی نیست. باید فکری کرد که این پژوهش‌ها، دردی از دردهای کشور را درمان کند. تازه اگر کسی هم مشکلی را به ما گزارش می‌کند، می‌رویم با کلی هزینه و صرف زمان، پژوهش و تحقیقات می‌کنیم و جوانب مسئله را به صورت علمی ارائه می‌کنیم؛ درحالی که مشکل هنوز به جای خودش باقی است. متأسفانه، تناسبی بین تحقیقات ما و معضلات کشور وجود ندارد. باید این پژوهش‌ها هدایت شوند و به شکل عملیاتی در بیایند و نظام بانکی و اداری و دیگر سازمان‌ها و تشکیلات ما را اصلاح و کنترل کنند. سامان‌دهی چنین کاری نیز فقط از طریق نظام مدیریت منابع و سیستم الکترونیکی امکان‌پذیر است.

امروزه، ما انباشتی از انواع قراردادهای بانکی داریم؛ ولی همه را کنار گذاشته‌ایم و به شکلی که شبهه‌ناک است به دیگران وام می‌دهیم. همچنین، مهدکودک‌های ما امروزه چه نسبتی با مباحث تربیتی روز ما دارند؟ و چگونه می‌شود اینها را با هم وصل کرد؟ مشکل این است که هرکسی برای خودش مدیر یک مهد کودک شده و چیزی‌هایی را که به نظرش خوب می‌رسد، اجرا می‌کند؛ البته قصد من این نیست که وارد رشته‌های مختلف بشوم؛ بلکه منظورم این است که باید برای فعالیت‌های خودمان سازوکار مناسب داشته باشیم؛ مثلاً حوزه علمیه هم سازوکاری داشته باشد تا بتواند نهادهای پژوهشی خود را به سوی فهم صحیح و حل درست و عملی مشکلات نظام سوق بدهد. امروز به کمک فضای مجازی، این بستر و شرایط فراهم شده است.

یکی دیگر از معضلات ما، در دسترس نبودن کتابخانه‌های علمی است. گاهی شما یک کتاب را نیاز دارید، ولی نمی‌دانید آن را باید از کجا تهیه کنید. فضای مجازی، این کار را بسیار آسان کرده و از صرف وقت و هزینه جلوگیری نموده است و هرکسی در هر نقطه که باشد، می‌تواند به راحتی کتاب مورد نظرش را بیابد، سفارش بدهد و تهیه کند.

در این مجال اندک، بنده فقط به طور فهرست‌وار سایه مؤلفه‌های طرح را بیان می‌کنم: سامانه مبلغان، مسئله مساجد، ائمه جمعه و جماعت، موضوع حج و زیارت، بسیج طلاب مدارس و سازمان‌ها، اردوهای فرهنگی - تربیتی، تولیدات رسانه‌ای، امور هنری، موقوفات، بحث شهریه طلاب و اساتید، بانکداری بدون ربا و وام‌های قرض الحسنه، موضوع رفاه طلاب و اساتید، مقوله سلامت طلاب و اساتید، خانواده طلاب، خدمات آموزشی و پژوهشی، خدمات مشاوره‌ای و تبلیغی، و یا خدماتی که حوزه‌های علمیه به هنگام بروز برخی بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی باید به جامعه ارائه بدهند؛ مانند پاسخگویی به استفتائات و سؤالات شرعی و دینی مردم. همچنین، می‌توان به: تبلیغ در کشورهای دیگر، وجوهات شرعی و سفرهای زیارتی، دریافت کمک‌های مردمی، کمک به مستمندان، نمایندگی‌ها، امور پشتیبانی، برگزاری نمایشگاه‌ها یا نشست‌های علمی و دینی، ایجاد ارتباط بین مراکز علمی و دینی داخلی و خارجی یا مراکز دانشگاهی، قضایی یا حمایتی اشاره کرد. به طور کلی، ابزارهای فضای مجازی خیلی خوب می‌تواند به ما کمک کند تا همه این عرصه‌ها را به شکل کامل و یکپارچه مدیریت کنیم.»

جمع‌بندی دو نکته مهم

بعد از سخنرانی و توضیحات حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر شهریارى درباره طرح بازآفرینی حوزه علمیه در فضای مجازی، حجت‌الاسلام والمسلمین اعرافی اظهار داشت:

«هدف از برگزاری جلسه حاضر، توجه به این نکته است که در حرکت آینده خودمان در محورهای مختلف و نیز اولویتهای کاریمان، نگاهی نرم‌افزارانه و ناظر به سیستم‌ها و فضای مجازی نیز داشته باشیم؛ البته هرچند در این جلسه فرصت نشد که به همه جوانب مسئله پرداخته شود.

باید عرض کنم که در جامعه المصطفی اقدامات خوبی در این زمینه شده است؛ برای مثال، برنامه پنج‌ساله‌ای که در جامعه المصطفی تمام گردیده، خیلی حالت هوشمندانه دقیقی داشت و همه چیز طبق برنامه و نظم و ترتیب معینی پیش می‌رفت و کم و زیاد شدن بودجه نیز بسیار روشن و شفاف بود و ارزیابی دقیق و خوبی از کارهایمان داشتیم. در بخش‌هایی از حوزه علمیه مانند تبلیغ و آموزش نیز هم‌اینک سیستم‌های نسبتاً خوبی راه‌اندازی شده است. بنده فکر می‌کنم این جلسه برای شکل‌گیری این نظر است که باید سیستم‌های مدیریتی و کاری خودمان را یکپارچه‌سازی کنیم که به نوبه خود، نکته بسیار مهمی است و خیلی از حرکت‌های جدیدی که آغاز می‌شود، باید این نکته در آن لحاظ گردد. تقاضای ما این است این نکات را دوستان حتماً در نظر بگیرند. در حال حاضر، حوزه علمیه اولین برنامه پنج‌ساله خود را تدوین می‌کند و نتیجه و جمع‌بندی ما از جلسه امروز، این است که آقایان مخصوصاً در اولویتهای کاری خود، نگرش مجازی و نرم‌افزاری به برنامه‌ها را حتماً مد نظر قرار بدهند تا نتایج بهتری به دست آید.

بنابراین، یکی نگاه نرم‌افزاری و مجازی به برنامه‌ها، و دیگری حالت منظومه‌ای و یکپارچه که باید بر کارها و برنامه‌ها حاکم باشد؛ این دو مورد، درخواستی است که ما از مجموعه داریم و جناب آقای بهرامی نیز باید این کار را دنبال بکنند تا انسجام و پیوست لازم برای تحقق چنین چیزی حاصل شود؛ به‌ویژه در برنامه پنج‌ساله حوزه علمیه باید این نکات مورد توجه قرار بگیرد. اگر دوستان جلسه دیگری را برقرار کنند تا کارهایی که در مجموعه مدیریت حوزه انجام شده و یا در دست انجام است، گزارش شود، خیلی بهتر می‌تواند فضا را برای رسیدن به آینده درخشان‌تر فراهم کند.»

استمرار همکاری و جلسات مشورتی

در ادامه، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر شهریارى، ضمن تأیید

نکات فوق، بر استمرار همکاری و تعامل بیشتر میان مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و شورای مدیریت حوزه علمیه تأکید کرد و گفت:

«یکسری امکانات کارآمد و مفید در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی وجود دارد که پیش از این هم خدمت شما عرض کردم. این امکانات، در واقع در خدمت مراکز علمی و دینی همچون حوزه‌های علمیه است. امیدوارم شرایطی فراهم شود که همکارانمان در حوزه علمیه از نزدیک با این قابلیت‌ها آشنا شوند؛ از جمله این امکانات مفید، بانک‌های اطلاعاتی نورمگز و همین‌طور پایگاه سمیم نور است. همچنین، ما شرکتی به نام «نشان» داریم که می‌تواند تمام فعالیت‌هایی را که بنده عرض کردم، برای شما پیاده‌سازی و اجرا کند. بحث دیتاستر، فعال شدن کارهای پژوهشی و امور مرتبط با آموزش و تبلیغ، و یا فعال شدن پژوهشکده فناوری اطلاعات، از دیگر محورهایی است که قابلیت پیگیری دارد.

پیشنهاد من این است که جلسه‌ای با حضور معاونت محترم حوزه داشته باشیم تا بهتر بتوانیم کارهای صورت‌گرفته در این مرکز را در حوزه فناوری و فضای مجازی معرفی کنیم و بعد در جلسات مجزا به طور خاص، به حوزه آموزش یا پژوهش بپردازیم و فعالیت‌ها، اولویت‌ها و خلأها را با هم بررسی نماییم.

اساساً دفتر رهبر معظم انقلاب برای همین منظور این مرکز را تأسیس کردند و ما هم کاملاً آماده هستیم که هر نوع خدماتی را که در حوزه فناوری و فضای مجازی مورد نیاز حوزه علمیه هست، در اختیار شما بگذاریم؛ تجربیات و دستاوردهایی که زحمات بسیاری هم برای آنها کشیده شده است. همه هزینه‌هایی که در این مرکز شده، برای خودمان نیست؛ به جهت ارائه خدمت به مراکزى همچون حوزه علمیه است تا از دوباره‌کاری و صرف هزینه‌های اضافی جلوگیری شود. ما آماده‌ایم تا بسترهای لازم را برای انجام این کار بزرگ فراهم کنیم و سطح هم‌افزایی میان ما بالا برود. البته تحقق چنین چیزی، نیازمند نقشه راه دقیق و کامل است. ان‌شاءالله، در سایه تعامل و همکاری نزدیک، شاهد ظهور برکات و آثار مفیدی در حوزه‌های علمیه باشیم.» ■